

را به عنوان گوشت قربانی جراحی لحاظ کرده‌اند. از سوی دیگر بخش عمده‌ای از راهکارهایی که برای محرومیت‌زدایی تجویز شده‌اند، بدون داشتن نگاه جامع به عوامل مولد فقر، صرفاً حکم مسکنی موقت را برای مسکلتان به این پدیده داشته‌اند.

امروزه در ساحت اجتماعی شاهد آن هستیم که بخش عمده حرکات گروه نخبگانی (همچون دانشجویان، طلاب و...) بیش از آنکه معطوف به مساله فقر باشد، معطوف به شخص فقیر شده است. رشد انبوه خیریه‌ها و حرکتهایی با این کارویژه در سطح نخبگان هرچند که به خودی خود واجد بالاترین ارزش‌های الهی و انسانی است اما زمانی که مانع از جامع‌نگری گروه‌هایی شود که خود باید معترض و پیگیر مجراهای تولید فقر باشند، نگران‌کننده به نظر می‌آید. کمک‌رسانی به فقیران نباید همانند حجابی مانع از دیدن علت فقر و سرچشمه‌های شکل‌گیری آن شود که اگر چنین شود، این تقلیل‌گرایی به سطح سیاست‌گذاری نیز سربایت خواهد کرد و با چراغ سبزش نشان دادن به رویکردهای مولد فقر به دنبال کمک به فقرا خواهد رفت.

امروزه برای آنکه به حرکتی در جهت رفع محرومیت به عنوان عامل بخش عمده‌ای از مشکلات اجتماعی دست پیدا کنیم، باید ابتدا این مرز باریک‌تر از مو را که شامل حرکات فقرمحور و فقیرمحور می‌شود، شناسایی کنیم و سپس بر مبنای آن به سامان‌بخشی حرکات از سطح عمومی تا دولتی بپردازیم. سخنان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جلسه استیضاح وی و اعلام اینکه در صورت برکناری با تاسیس یک سازمان مردم‌نهاد به کمک اهالی سیستان‌بلوچستان خواهد پرداخت، خلاصه‌ای تمثیلی از نوع نگاه جاری به مساله فقر و محرومیت در کشورمان بود، اینکه در سایه پیگیری سیاست‌هایی که خود مولد فقر هستند باعث سقوط مرگبار زندگی میلیون‌ها کارگر شوم و به رشد فقر کمک کنیم، سپس با پیگیری اقدامات خیریه‌ای به دنبال کمک به محرومان برویم. به رسمیت شناختن مرز میان فقرمحوری و فقیرمحوری می‌تواند ما را از افراط و تفریط‌های انجام شده در سیاست‌های کلان و کنش‌گری‌های خرد عمومی دور کند.



دغدغه بهداشت و درمان به مهم‌ترین دغدغه میبشود. بخش عمده‌ای از مردم، توزیع ناعادلانه منابع ثروتی که مولد اشتغال هستند در چند نقطه محدود و در یک کلام توسعه نامتوازن پیگیری شده در دهه‌های اخیر باعث آن شده که بخش عمده‌ای از برنامه‌هایی که با هدف ارتقای صحیح رویکردهای مان بر مبنای فقرمحوری و فقیرمحوری بوده است. شکل‌گیری یک حلقه، در حال رشد حاشیه‌نشین حول محور شهرها، تنگ شدن فضای ارتقای تحصیلی به‌علت ماهیت کالایی یافتن آموزش در کشورمان، تبدیل شدن

یابان برد از شدت درد تقدیر مرگ را برای خود آرزو خواهد کرد.

با وجود چند دهه تلاش برای محرومیت‌زدایی هنوز فاصله‌ای زیاد میان مطلوبیت‌های مدنظر در سطح اجتماعی و وضع موجود وجود دارد که بخش عمده‌ای از آنها به‌علت عدم اتخاذ صحیح رویکردهای مان بر مبنای فقرمحوری و فقیرمحوری بوده است. شکل‌گیری یک حلقه، در حال رشد حاشیه‌نشین حول محور شهرها، تنگ شدن فضای ارتقای تحصیلی به‌علت ماهیت کالایی یافتن آموزش در کشورمان، تبدیل شدن

فقر محوری یا فقیر محوری؟

مقابل پزشکی را که برای درمان درد بیماراش تنها به تجویز داروهای مسکن بسنده کند نیز نمی‌توانیم یک پزشک موفق نامگذاری کنیم. واقعیت امر آن است که نبردناختن به سیاست‌های کلان حاکمیتی و اقدامات خودجوش عمومی در زمینه محرومیت‌زدایی بر مبنای آنکه تا چه حد فقرمحور یا فقیرمحور هستند ما را با این مشکل مواجه کرده است که بخش عمده‌ای از اقدامات انجام شده در دهه‌های اخیر به موفقیت و اهداف اولیه مورد نظر خود نرسیده‌اند. ماهیت خیریه‌ای پیدا کردن غالب حرکات کلاتی که با

مقابل پزشکی را که برای درمان درد بیماراش تنها به تجویز داروهای مسکن بسنده کند نیز نمی‌توانیم یک پزشک موفق نامگذاری کنیم. واقعیت امر آن است که نبردناختن به سیاست‌های کلان حاکمیتی و اقدامات خودجوش عمومی در زمینه محرومیت‌زدایی بر مبنای آنکه تا چه حد فقرمحور یا فقیرمحور هستند ما را با این مشکل مواجه کرده است که بخش عمده‌ای از اقدامات انجام شده در دهه‌های اخیر به موفقیت و اهداف اولیه مورد نظر خود نرسیده‌اند. ماهیت خیریه‌ای پیدا کردن غالب حرکات کلاتی که با

بررسی بازار نوشت‌افزار در آستانه بازگشایی مدارس به بهانه برگزاری ششمین نمایشگاه «بران نوشت»

تقاطع فرهنگ و تجارت



داد. وزیر آموزش و پرورش در این مورد گفت: «بازار نوشت‌افزار ۵۰ تا ۶۰ هزار فرصت شغلی برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کند که بسیار قابل توجه است، بویژه اکنون که یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه بیکاری است که خود آسیب‌هایی را رقم زده است، خود را مکلف می‌دانیم و حجت شرعی و قانونی داریم که مسوولانه از تولیدات داخلی بویژه نوشت‌افزار حمایت کنیم». اما پس از دستور وزیر آموزش و پرورش پیرامون ممنوعیت استفاده از اقلام خارجی در مدارس سراسر کشور علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در حالی که از بخشنامه وزیر استقبال کرد اما مشکل اجرایی نشدن آن را در نبود یک متولی خاص در این مساله دانست و بخشنامه ممنوعیت استفاده از نوشت‌افزار خارجی در مدارس را اعلام می‌کند که در تنظیم بازار آن نقشی ندارد.» با مجموعه این عوامل هنوز به طور قطع نمی‌توان از میزان موفقیت آموزش و پرورش در تحقق کردن این ایده سخن گفت و برای نتیجه آن باید چشم به آغاز سال تحصیلی دوخت.

■ ایستگاه ششم نمایشگاه نوشت‌افزار

برگزاری نمایشگاه نوشت‌افزارهای ایرانی که از سال ۹۱ و تنها با حضور ۲ برند و ۵۰۰ هزار نسخه آغاز شده بود، سال گذشته به ۷۰ برند و بیش از ۷ میلیون نسخه افزایش پیدا کرد و امسال نیز با رشد نسبت به سال گذشته در حال تجربه دوره ششم خود است. شواهد گویای آن است که این نمایشگاه امکان رشد ۱۵ درصدی تولیدات داخلی بر مبنای ارزش‌های ایرانی-اسلامی را فراهم کرده و به رونق کار تولیدکنندگان این عرصه منجر شده است. تولیدکنندگان نوشت‌افزارهای ایرانی که در این نمایشگاه حاضر هستند البته کارویژه خود را در مساله اقتصادی محدود کرده و سعی کرده‌اند از بستر این نوشت‌افزارها در جهت تغییر ذائقه فرهنگی کودکان نیز استفاده کنند و با خلق و برجسته‌سازی قهرمان‌های دانش‌آموزان، فضایی جدید و بومی را برای لوازم‌التحریر آنها فراهم کنند.

■ ایستگاه ششم نمایشگاه نوشت‌افزار

برگزاری نمایشگاه نوشت‌افزارهای ایرانی که از سال ۹۱ و تنها با حضور ۲ برند و ۵۰۰ هزار نسخه آغاز شده بود، سال گذشته به ۷۰ برند و بیش از ۷ میلیون نسخه افزایش پیدا کرد و امسال نیز با رشد نسبت به سال گذشته در حال تجربه دوره ششم خود است. شواهد گویای آن است که این نمایشگاه امکان رشد ۱۵ درصدی تولیدات داخلی بر مبنای ارزش‌های ایرانی-اسلامی را فراهم کرده و به رونق کار تولیدکنندگان این عرصه منجر شده است. تولیدکنندگان نوشت‌افزارهای ایرانی که در این نمایشگاه حاضر هستند البته کارویژه خود را در مساله اقتصادی محدود کرده و سعی کرده‌اند از بستر این نوشت‌افزارها در جهت تغییر ذائقه فرهنگی کودکان نیز استفاده کنند و با خلق و برجسته‌سازی قهرمان‌های دانش‌آموزان، فضایی جدید و بومی را برای لوازم‌التحریر آنها فراهم کنند.

■ گلایه پیمانفر، دستور وزیر!

چندی پیش و در جریان بحث‌های مطرح شده پیرامون حمایت از تولیدات داخلی در عرصه نوشت‌افزارها بود که حجت‌الاسلام پیمانفر، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خبر از ممانعت ورود نوشت‌افزارهای ایرانی به برخی مدارس خاص داد و اعلام کرد به دنبال جلوگیری از تکرار این اتفاقات و تسهیل ورود نوشت‌افزارهای داخلی متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی به مدارس خواهد بود. در این زمینه و در جریان افتتاح ششمین نمایشگاه نوشت‌افزارهای داخلی سیدمحمد بطحایی خبر از دستور این وزارتخانه در ممنوعیت استفاده از اقلام خارجی در مدارس

صادق فرامرزی: در بررسی هر کنش و عملی که چه از جانب حکومت و چه از جانب نیروهای اجتماعی و مردمی پیرامون مساله محرومیت‌زدایی شکل می‌گیرد، پیش و بیش از هر چیز باید آن حرکت را در چارچوب «فقرمحوری» یا «فقیرمحوری» مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در هر اقدام این سوال باید پاسخ داده شود که نوک پیکان به سمت «پدیده» فقر گرفته شده است یا فقر را همچون مساله‌های ثابت و گریزناپذیر به رسمیت شناخته و راه مداوا را در پیگیری حال و روز «مبتلا شدگان» به آن جست‌وجو می‌کند. موضوع بودن فقر به عنوان یک پدیده که باید ریشه‌کن شود یا فقیر به عنوان کسی که قربانی این پدیده شده است، هرچند در جنبه کارکردی متضاد یکدیگر نیست اما در نقشه راه بلندمدتی که هر اقدام و الگوی کلان پیگیری می‌کنند، می‌تواند به عنوان ویژگی تمایزبخشی تبدیل به یک شاخص شود.

عمده حرکتهایی که بر مبنای الگوی «فقیرمحوری» پیگیری می‌شوند، ماهیتی خیریه‌ای دارند و سعی می‌کنند کارکردی همانند مسکن را برای بیماری گریزناپذیر فقر داشته باشند اما حرکتهایی که بر مبنای الگوی «فقرمحوری» پیگیری می‌شوند بیش از آنکه هدف خود را در مبتلایان به فقر جست‌وجو کنند، سعی بر آن دارند با شناسایی مجراهای مولد فقر، مانع از گسترش این پدیده بشوند و تا جایی که ممکن است حتی همان پدیده را نیز محدودتر کرده و به سمت نابودی بکشانند. بر مبنای تعریفی که از این دوگانه ارائه شد، می‌توان در تایید یا رد حرکتهایی که در جهت محرومیت‌زدایی انجام می‌شود از سیاست‌های کلان دولتی گرفته تا حرکتهای خودجوش مردمی و اجتماعی، همه را بر اساس نقش‌شان در فقیرزدایی یا فقیرزدایی مورد قضاوت قرار داد. تصرهایی که در این میان هیچ‌گاه نباید مورد غفلت واقع شود آن است که پیگیری این دو رویکرد هیچ‌گاه نباید به معنای نفی دیگری تلقی شود و موجبات آن را فراهم آورد که برای ریشه‌کن کردن فقر از پیگیری‌های مقطعی برای حل‌وفصل مشکلات فقیران غفلت ورزید؛ همان‌گونه که استفاده از مسکن و داروی بیهوشی شرط اولیه موفقیت یک عمل جراحی است و نمی‌توان بدون آن جراحی موفقیت داشت،

به بهانه اعلام تخصیص ۲۳۰ میلیارد تومان برای بیمه زنان سرپرست خانوار

مداوایی موقت برای طرح بیمه زنان سرپرست



سرخان چند روز گذشته معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده مبنی بر اختصاص مبلغ ۲۳۰ میلیارد تومان به «بیمه زنان سرپرست خانوار» در بودجه ۹۷ بار دیگر مساله وعده قدیمی بیمه زنان سرپرست خانوار را تبدیل به موضوعی داغ کرد. زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه که با گذشت دهه‌های متمادی بر درصد آنان نیز افزوده شده است، همواره در معرض رویرویی با بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی بوده‌اند که در این میان مساله بهداشت و درمان به عنوان یکی از مهم‌ترین این مسائل شکلی تهدیدآمیز نسبت به وضعیت اقتصادی این قشر به خود گرفته است. بیمه زنان سرپرست خانوار طرحی قدیمی است که نزدیک به ۲ دهه توسط چند دولت و چند دوره مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته اما هیچ‌گاه به مرحله پیش‌بینی شده برای اجرایی شدن نزدیک نشده و هنوز میان آنچه در این مقوله انجام شده با آنچه سال‌ها وعده آن داده می‌شده است، فاصله زیادی وجود دارد. قطعاً یکی از نکات مهمی که مساله زنان سرپرست خانوار را شدت نیازمند این طرح می‌کند آن است که ۱۷ درصد از این زنان دارای فرزند بوده و مسوولیت سرپرستی آن فرزندان نیز با مادران‌شان است. با مجموعه این اوصاف تنها ۴۰ درصد زنان سرپرست خانوار، تحت پوشش نهادهای حمایتی همچون بهزیستی و کمیته امداد قرار دارند. به این صورت که حدود یک میلیون زن تحت پوشش خدمات حمایتی کمیته امداد و ۲۰۰ هزار نفر نیز تحت پوشش خدمات بهزیستی هستند. آمار بالای بیکاری زنان سرپرست خانوار و میزان بسیار پایین دریافتی‌های آنان موجب حیاتی بودن نیاز آنها به بیمه را بیش از پیش عیان می‌کند.

روستاها با پدیده‌هایی مانند خشکسالی، بیکاری و مهاجرت، به پایان شکوفایی خود نزدیک و نزدیک‌تر و مردان روستا، کمتر و کمتر شدند. در ایران تعداد خانواده‌هایی که سرپرست آنها مرد است، بیش از ۱۵ میلیون و ۷۱۱ هزار خانوار و تعداد خانواده‌هایی که سرپرست آنها زن است، بیش از ۲ میلیون و ۶۴۱ هزار خانوار است. رشد خانواده‌های سرپرست طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ حدود ۳۸ درصد بوده اما این رشد دربرابر خانواده‌های زن‌سرپرست، به ۵۸ درصد رسیده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، سهم زنان در سرپرستی خانواده‌ها ۹۴ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۵، ۸۴ درصد بوده و طی یک دهه، رشدی یک‌درصدی داشته است. این آمار، حاکی است که سالانه ۶۰ هزار زن سرپرست خانوار به آمار قبلی افزوده شده‌اند. سن حدود ۲۶ درصد از این گروه زنان بین ۲۵ تا ۴۴ سال، ۳۸ درصد بین ۴۵ تا ۶۴ سال و ۳۲ درصد نیز بالاتر از ۶۴ سال است. دلایل عمده سرپرستی زنان در خانوار، فوت همسر (حدود ۷۰ درصد این گروه را به خود اختصاص می‌دهد) و در وهله دوم، طلاق (۵ درصد زنان در شهرها و ۲ درصد در روستاها) است. انوشیروان محسنی‌پندی، سرپرست فعلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز سال گذشته اعلام کرده بود: «در حال حاضر ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار خانواده زن‌سرپرست داریم که ۵۵ درصد از این تعداد را که حدود ۱۳۷ هزار و ۵۰۰ نفر می‌شود دختران مجرد تشکیل می‌دهد». آمارهای فوق همه گویای این مساله است که زنان سرپرست خانوار نه‌تنها تبدیل به درصد قابل توجهی از جمعیت کشور شده‌اند، بلکه روند رو به رشد آنان نیز خبر از افزایش تعدادشان در سال‌های آتی می‌دهد.

■ چه تعداد زن سرپرست خانوار داریم؟

با نبر سرشماری مرکز آمار ایران، تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه‌های گذشته رو به رشد بوده است اما باید گفت برنامه‌های توسعه اقتصادی، در زندگی این زنان، تغییری ایجاد نکرده و تعداد آنها بدون تحول امیدوارکننده‌ای زیاد شده است. بر اساس این آمار، در سال ۱۳۳۵ تعداد زنان سرپرست خانوار در کل کشور اندکی بیش از ۳۱۲ هزار نفر بوده است. این آمار در سال ۱۳۴۵ به ۳۳۰ هزار نفر و در سال ۱۳۵۵ به مرز ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد اما از ۱۳۶۵ به بعد در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ با رشدی چندبرابری به‌ترتیب به ۶۸۵ هزار، یک‌میلیون و ۳۷ هزار، یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار، ۲ میلیون و ۵۴۰ هزار و ۲ میلیون و ۶۱ هزار نفر می‌رسد؛ به‌عبارتی در فاصله ۶ دهه تعداد زنان سرپرست خانوار از ۳۰۰ هزار نفر به ۳ میلیون نفر رسیده است. عمده افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، در سرشماری ۱۳۶۵ یعنی دوران پس از جنگ و شروع دوران جدید سازندگی در ایران دیده می‌شود؛ دورانی که تعداد زیادی از

خواهد شد. بر اساس برآورد ۲ سال گذشته معاونت زنان ریاست‌جمهوری و بدون توجه به افزایش هزینه‌های پزشکی، بیمه ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار زن سرپرست خانوار نیازمند رقمی حدود ۷۸۰ میلیارد تومان است که فاصله‌ای ۵۵۰ میلیارد تومانی با رقم تخصیص داده شده دارد. با این شرایط طبیعی جلوه می‌کند که در عین داشتن امید به افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بیمه اما هنوز با اهداف نهای فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد. در حالی که هزینه‌های درمان سالانه چندصد هزار نفر را به زیر خط فقر می‌برد، تمل در مساله بیمه زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه با کمترین درآمد ممکن می‌تواند بخش عمده‌ای از این خانوارها را نیز با سرعتی بیش از سایرین به مشکلات اقتصادی ناشی از درمان مبتلا کند.

■ چرا بحران زنان سرپرست خانوار را باید جدی گرفت؟

رند رو به رشد تعداد زنان سرپرست خانوار که غالباً با سخت‌ترین مشکلات معیشتی مواجه هستند و از اولیه‌ترین نیازهای خود نیز محروم شده‌اند. حالی زیر بار است که قرار بود بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه، هر سال ۱۰ درصد این زنان، توانمند و از چرخه حمایت سازمان‌ها خارج شوند اما آنچه در عمل رخ داد غیر از این بوده و باعث آن شده جمعیت زنان سرپرست خانوار اکنون تبدیل به یکی از اقشار بشدت آسیب‌پذیر جامعه شوند. رقم برداشتی بسیار پایین زنانی که تحت پوشش بوده‌اند و اکنون پس از افزایش مستمری‌ها باید خود را برای دریافت رقم ۱۹۳ هزار تومان آماده کنند، بیسم آن را می‌دهد که این جمعیت در حال رشد در سایه بحران‌های اقتصادی خود تبدیل به یکی از مخزن‌های تهدیدآمیز اجتماعی شود که عواقب آن خود موجب شکل‌دهی نوبوه‌ای مشکلات دیگر شود. عدم توجه به آینده فرزندان این خانوارها و محدود کردن سیاست‌های حمایتی به حمایت‌های حذافی می‌تواند خبر از آینده پرخطر نسلی دهد که از بخش عمده‌ای از نیازهای جسمی و روحی خود به‌علت فقر مادی محروم شده است.

■ تزریق ۲۳۰ میلیارد تومانی چقدر علاج‌بخش است؟

هرچند که خیر اختصاص ۲۳۰ میلیارد تومان جهت بیمه زنان سرپرست خانوار تا حد زیادی می‌تواند خبری مسرت‌بخش برای این قشر از جامعه باشد اما نمی‌توان اینگونه اندیشید که مشکل بیمه زنان سرپرست خانوار با این رقم حل